

بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس تعلق شهروندان به شهر مورد مطالعه: شهر بندرعباس

هدایت‌الله نیکخواه^۱، پریشان سرافراز^۲، زهرا ولی‌پور^۳

چکیده

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های ارتباط انسان با محیط، احساس تعلق به مکان است که در راستای تداوم حضور انسان در مکان نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. هدف اصلی این مطالعه بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس تعلق می‌باشد که بر اساس دیدگاه جامعه‌شناختی جیکوبز، بنیامین، لینچ، پاکزاد و... بررسی شده‌است. با استفاده از روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه ۳۰۰ نفر از ساکنان ۱۸ سال به بالا با بیش از ده سال سابقه سکونت در شهر بندرعباس به روش نمونه‌گیری هدفمند و خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. اطلاعات گردآوری شده از طریق نرم‌افزار SPSS و با بکارگیری روش‌های آماری نظیر توزیع فراوانی، تحلیل واریانس، همبستگی پیرسون و رگرسیون توصیف و تحلیل شد. طبق یافته‌های پژوهش میانگین احساس تعلق (۲۷.۸۵) در حد متوسط به بالا گزارش شده‌است، که عواملی همچون مدت اقامت، تحصیلات و منطقه مسکونی بر احساس تعلق آزمودنی‌ها اثرگذار بود. همچنین نتایج آزمون استنباطی نشان داد که بین تعاملات-

hnik2000@yahoo.com

parniansarafraz@gmail.com

zahravalipour19868@gmail.com

۱- استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه هرمزگان

۲- کارشناس ارشد گروه علوم اجتماعی دانشگاه هرمزگان

۳- کارشناس ارشد گروه علوم اجتماعی دانشگاه هرمزگان

اجتماعی، امنیت اجتماعی، خدمات محله‌ای، تعاون و همکاری محله‌ای و مکان‌های خاطره‌ساز با احساس تعلق شهروندان رابطه قوی و معناداری وجود دارد؛ بدین معنا که با کاهش یا افزایش هریک از پارامترهای فوق، میزان احساس تعلق شهروندان نیز به همان نسبت تغییر می‌کند. نتایج آزمون رگرسیون مبین این است که متغیرهای ذکر شده (۳۷ درصد) از احساس تعلق شهروندان را تبیین می‌کنند؛ که به ترتیب مکان‌های شاخص، تعاملات اجتماعی و همچنین امنیت اجتماعی بیشترین میزان تبیین‌کنندگی را داشتند.

کلید واژه‌ها: احساس تعلق، همکاری محله‌ای، مکان‌های خاطره‌ساز، امنیت اجتماعی، شهر بندرعباس.

مقدمه و بیان مسئله

در بررسی رابطه انسان و محیط، شناخت عناصر کالبدی، ویژگی‌های محسوس محیط و معانی و پیام‌های برخاسته از آن حائز اهمیت است. احساس تعلق مفهومی است که در مرحله توصیف، به ابعاد و عوامل تشکیل‌دهنده آن قابل تجزیه است، اما در مرحله ادراک، درکی کلی از محبت و عاطفه نسبت به مکان است که شاید حتی برای شخص قابل وصف و بیان نباشد. تعلق به مکان پیوندی است بین یک فرد یا گروه و مکان، که براساس سطح فضایی، درجه اختصاصی بودن و ویژگی‌های اجتماعی یا کالبدی مکان، متفاوت است و از طریق احساس، شناخت و فرایندهای روانشناسانه رفتاری، آشکار می‌گردد. تجارب جهانی نمایانگر این است که فضاهای عمومی شهری می‌توانند محملی برای بروز ارزش‌های فرهنگی و بستری مناسب برای تعاملات و توسعه اجتماعی برای هویت‌سازی و هویت‌پذیری شهروندان و توسعه پایداری انسانی به‌شمار آیند که می‌بایست مورد ارزیابی قرار گیرند (حبیبی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲).

از سویی دیگر، امروزه شهرها به منزله بزرگ‌ترین اجتماع مدنی و کانون تمدن‌های بشری، اهمیت ویژه‌ای دارند. این جایگاه رفیع در کنار انبوه مشکلات جمعیتی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، کالبدی و فضایی، مدیریت شهرها را بیش از پیش پیچیده و دشوار کرده است (بزی، ۱۳۹۵: ۵۱) از این‌رو وجود محرک و منابعی که سبب تداوم حضور

انسان در مکان شود، حائز اهمیت است، که می‌توان یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های ارتباط انسان با محیط را احساس تعلق به مکان دانست که در راستای تداوم حضور انسان در مکان نقش تعیین کننده‌ای دارد (احمدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۰). از سویی دیگر، کاهش احساس تعلق به جامعه می‌تواند آسیب‌های اجتماعی و پیامدهای بسیار مخربی از جمله افزایش میزان مهاجرت، کاهش امید به آینده، انزوای فردی، احساس جدایی و سردرگمی در جامعه، از خودبیگانگی، گرایش به ارزش‌های بیگانه، کاهش احساس امنیت، مخدوش شدن روابط بین حقوق و تکالیف نقش‌ها، دشوار شدن پیش‌بینی کنش‌های اجتماعی، بی‌اعتمادی، قانون‌گریزی، نزول گرایش به نظم، کاهش وفاق اجتماعی و از بین رفتن انسجام اجتماعی، کاهش انگیزه برای پیشرفت و توسعه‌ی جامعه و... داشته باشد (صاحبی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲۲). با وجود اینکه عوامل کالبدی می‌توانند اهمیت زیادی در زمینه‌سازی ورود و سپس توقف افراد درون یک فضا، داشته باشند اما آنچه بیش از عوامل کالبدی در حضور و تعامل اجتماعی افراد مؤثر است، پیش‌بینی و خلق رویدادهای اجتماعی است که در عین ایجاد فرصت‌های مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، می‌تواند زمینه‌ساز ارتقاء حس تعلق به مکان نیز باشد (علیمردانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶). باید گفت محیط و فعالیت‌های اجتماعی تأثیر مهمی در شکل‌گیری مفاهیم اجتماعی و از جمله حس تعلق ساکنین یک شهر دارد و حس تعلق، موجب احساس راحتی از یک محیط می‌شود و در مکان زندگی فرد به وجود آمده و با گذر زمان عمق و گسترش می‌یابد.

شهر بندرعباس متشکل از قومیت‌ها، طبقه‌ها و طیف وسیعی از شهروندان با موقعیت اجتماعی و اقتصادی خاص و گوناگونی می‌باشد که با توجه به فرایندهای مدرنیزاسیون شهری، ساختار محلات و روابط همسایگی، تحت تأثیر و تغییر فراوانی قرار گرفته است. همچنین، شهر بندرعباس از سرریز جمعیتی شهرهای پیرامون و مهاجرین سایر نقاط شهری و روستایی شکل گرفته است. این تنوع جمعیتی و فرهنگی، موجب به وجود آمدن فرهنگ خاص در بین ساکنان آن گردیده که خود عاملی در جهت کاهش حس تعلق مکانی ساکنان خواهد بود. می‌توان گفت نوع ساختار شهری موجود در شهر بندرعباس

به‌نوعی احساس تعلق افراد به محیطی که در آن زندگی می‌کنند را در معرض خطر قرار خواهد داد که عاملی بر افزایش آسیب‌های اجتماعی در شهر و نیز عدم مشارکت افراد در توسعه شهری را در پی خواهد داشت. بنابراین فرآیند پیچیده احساس تعلق و ادغام در بافت اجتماعی شهر بندرعباس، ضرورت کاوش و تفحص در زمینه عوامل مؤثر و تأثیرگذار بر این مؤلفه (احساس تعلق) در بین شهروندان این شهر نسبت به شهرشان را بیش از پیش لازم و ضروری می‌نمایاند. از این‌رو هدف اصلی این پژوهش بر مبنای تبیین و سنجش میزان احساس تعلق در بین شهروندان و همچنین بررسی عوامل اجتماعی نظیر تعاون و همکاری محله‌ای، خدمات محله‌ای، امنیت اجتماعی، مکان‌های شاخص و خاطره‌ساز، تعاملات اجتماعی بر میزان تعلق شهروندان در بندرعباس می‌باشد. بنابراین، در این پژوهش تلاش بر این است که با استفاده از نظریات موجود در حوزه جامعه‌شناسی شهری، ارتباط بین عوامل اجتماعی مذکور بر احساس تعلق مردم بندرعباس نسبت به این شهر سنجیده شود.

مروری بر پیشینه تحقیق

پیشینه داخلی پژوهش:

در مورد مطالعه احساس تعلق شهروندان نسبت به شهر، در میان پژوهش‌های انجام شده در داخل کشور بیشتر حوزه احساس تعلق به محله توجه شده است و دسته‌بندی جامعی از عوامل تأثیرگذار بر حس تعلق به شهر از سوی شهروندان صورت پذیرفته است. به‌طور مثال: قرشی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش خویش با عنوان "تعریف جامعه‌شناختی محله آرمانی از نگاه ساکنان محله کن منطقه ۵ شهر تهران" با هدف دستیابی به تعریفی از محله آرمانی از دید ساکنان به‌دنبال پاسخ به این سؤال است که تصویری از محله آن‌گونه که باید باشد در ذهن ساکنان چگونه است؟ روش مورد استفاده در این پژوهش پدیدارشناسی توصیفی است که تعداد شرکت‌کنندگان در مصاحبه‌های صورت گرفته ۳۲ نفر بوده‌اند که از اشباع نظری در نمونه‌گیری استفاده شده است. تعریف "محله آرمانی" در ذهن ساکنان کن از ترکیب سه درونمایه‌ی "اخلاق‌مداری"،

"سرمایه‌ی اجتماعی" و "کالبد شهری" ساخته شده است.

صفری و موسوی (۱۳۹۵) نیز در پژوهش خویش با موضوع "رشد شهرگرایی و احساس تعلق محله‌ای" با هدف بررسی تأثیر رشد شهرگرایی بر واقعیت احساس تعلق محله‌ای با روش پیمایشی به این نتیجه دست یافته‌اند که بین سبک زندگی شهری، گرایش به روابط گسترده در شهر و دلبستگی به مکان شهری با احساس تعلق محله‌ای، همبستگی منفی و معنادار وجود دارد. به‌علاوه بین طول مدت اقامت و نوع مالکیت منزل مسکونی با احساس تعلق محله‌ای همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. ضمناً رابطه معناداری میان متغیرهای زمینه‌ای سن و میزان درآمد افراد مورد مطالعه با احساس تعلق آنان به محل زندگی‌شان به‌دست آمده است.

در بحث از تعلق مکانی نیز، نقدی و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان "نقش سرمایه‌های اجتماعی در دلبستگی به مکان در محلات سنتی (مطالعه موردی: محلات شهر همدان)" دریافتند که شاخص‌هایی چون همکاری محله‌ای، پیوستگی اجتماعی، مشارکت در امور محلی، احساس امنیت و ایمنی، اعتماد و تعامل، هویت‌مندی فضا، خاطرات و رویدادهای مهم، قدمت مکان و قابلیت تجسم، گذشته تعاملی با مکان، عزت نفس و آشنایی با مکان در حد بالایی قرار دارند. همچنین پیوند و تعامل اجتماعی، گذشته تعاملی با مکان، خاطرات و رویدادها، طول مدت آشنایی افراد با یک مکان، میزان حضور و استفاده از آن و خاطره‌انگیزی مکان از جمله عواملی هستند که می‌توان در فرآیند دلبستگی به مکان اشاره کرد.

همچنین لطفی‌کرج (۱۳۹۵) در پایان‌نامه خود با موضوع "بررسی میزان حس تعلق مکان در روستاهای ادغام شده در شهر" دریافت که میزان حس تعلق مکان در روستای اردبیل پایین‌تر از حد متوسط است؛ همچنین نتایج نشان داد هر چه مدت زمان سکونت، میزان خدمات شهری، امنیت محله، فعالیت‌های اجتماعی و جمعی ساکنان محله، کیفیت زیست محیطی محله و کیفیت مسکن ساکنان بیشتر گردد، حس تعلق مکانی ساکنان روستای ادغام شده گلمغان نیز، افزایش می‌یابد.

شالچی و همکاران (۱۳۹۵) نیز، در پی پاسخ به این پرسش که تصویر ذهنی ساکنین از کالبد در حال ساخته شدن و تغییر در تهران چیست؟ و این تصویر چه الگوهای ارتباطی با شهر را برای ساکنین شکل می‌دهد؟ با استفاده از تکنیک مصاحبه و روش تحلیل تماتیک، با نمونه‌گیری نظری، تعداد ۲۲ نفر از ساکنین مناطق ۱، ۳، ۱۷ و ۱۹ انتخاب گردید. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که تصویر از شهر تهران در میان ساکنین شمال و جنوب متفاوت است. به نوعی که دید جنوب‌شهری‌ها بیشتر منفی و آسیبی بوده و شمال‌شهری‌ها تصویر مطلوب‌تری از شهر داشته‌اند. این تصویر تفکیکی در بین ساکنان جنوب‌شهر همراه با حس محرومیت، نابرابری و نارضایتی است. در نهایت، مجموع تم‌های تصویر ذهنی شهر نزد ساکنین نشان‌داده که کالبد جدید تهران، ساکنین را به سمت بیگانگی با شهر و کاهش حس تعلق به آن سوق می‌دهد.

همچنین، قاسمی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش "ارزیابی حس تعلق به مکان ساکنان شهرهای جدید" هشتگرد به این نتیجه دست یافتند که بین چهار متغیر مدت سکونت، احساس امنیت ساکنان در محل، رضایت از دسترسی به خدمات شهری و میزان فعالیت‌های اجتماعی و جمعی با حس تعلق مکانی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین نتایج به دست آمده از آزمون رگرسیون، نشان داد که حدود ۰/۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته (تعلق مکانی ساکنان) را متغیرهای مستقل (مدت زمان سکونت، میزان خدمات شهری، میزان امنیت محل و میزان فعالیت‌های اجتماعی و جمعی) تبیین می‌کند.

پیشینه خارجی پژوهش:

اقدو و همکارانش^۱ (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «مکان و شهر: حس عملیاتی کردن مکان و سرمایه اجتماعی در بافت شهری» نشان می‌دهند که در سطح شهر کمتر به ابعاد فضایی احساس تعلق محله‌ای و سرمایه اجتماعی توجه شده است و بدین ترتیب فرصت سوء استفاده از دانش اجتماعی و فضایی برای بهبود زندگی روزمره در شهر و کارکرد شهر (به‌عنوان مثال در فرایندهای برنامه‌ریزی، تعامل شهروندی و مشارکت مدنی) از دست می‌رود.

رولرو و دِ پیک کولی^۱ (۲۰۱۰) یک مطالعه تجربی با هدف روشن سازی تفاوت بین دل بستگی مکانی با شناسایی پیش بینی کننده های آن ها در یک مدل معادلات ساختاری و بررسی ارتباط آن ها با ادراک زیست محیطی بر روی نمونه ای از ۳۲۸ نفر از ساکنان یک شهر در شمال ایتالیا به این نتایج دست یافته اند که ابعاد عاطفی و شناختی به طور مستقیم توسط متغیرهای مختلف جمعیتی و روانی پیش بینی می شود و به شدت با ادراک مکان و ساکنان آن در ارتباط است. پیوست مکان و شناسایی دو مؤلفه مجزا اما همبسته هستند. همچنین، مطالب معنایی مربوط به درک محیط زیست با توجه به سطوح مختلف دل بستگی و شناسایی توصیف می شود.

با توجه به بررسی های صورت گرفته، در اکثر مطالعات تجربی، بیشتر مفاهیم و مقولات بر مبنای احساس تعلق محله ای قرار داده اند. پیرامون بررسی احساس تعلق شهروندان در یک منطقه شهری، تحقیقات کمتری انجام شده است و تحقیقات ویژه ای با هدف شناسایی الگوهای کلی احساس تعلق به شهر در بین شهروندان مشاهده نمی شود. به خصوص که تحقیقات محققین نشان می دهد که در بندرعباس در حوزه احساس تعلق به شهر پژوهش خاصی انجام نشده است. بنابراین پژوهش حاضر با استفاده از تحقیقات پیشین انجام گرفته و تأکید بر متغیرهای احساس امنیت، مکان های شاخص و خاطره ساز، خدمات محله ای و تعاون و همکاری که در برخی از تحقیقات پیشین استفاده شده است، توجه خویش را معطوف به احساس تعلق به شهر از سوی ساکنین شهری در جهت ادغام شهروندان و افزایش مشارکت شهری در جهت رشد و توسعه شهری بندرعباس می نماید.

مبانی نظری پژوهش

احساس تعلق و دل بستگی: از نگاه رویکرد اجتماعی، احساس تعلق به محیط برآیند عواملی از تعاملات اجتماعی می باشد که در محیط صورت می پذیرد. بر اساس این

رویکرد محیط حاوی اطلاعات و نشانه‌های مشترک اجتماعی است که انسان‌ها با درک و رمزگشایی آن‌ها با محیط خود به تعامل می‌رسند (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۷-۴۶). مک میلان و چاویس^۱ چهار بُعد برای تعریف خویش از احساس تعلق برشمرده‌اند که احساس عضویت، تأثیرگذاری، برآورده‌سازی نیازها، پیوند عاطفی از آن جمله‌اند؛ که می‌توان گفت این مؤلفه‌ها در جهت افزایش حس وابستگی شهروندان به شهر نقش قابل ملاحظه‌ایی دارند (مک‌میلان و چاویس، ۱۹۸۶: ۹).

از سویی دیگر، دل‌بستگی به مکان ناشی از تعامل افراد با مکان، معانی و ویژگی‌های مرتبط محیطی است که مبین احساسات عمیق فرد (چه مثبت و منفی) نسبت به یک موقعیت خاص جغرافیایی یا مکان خاص است که در فرآیند تعامل با مکان کالبدی و معنا بخشیدن به آن شکل می‌گیرد و به بروز احساساتی چون تعلق مکانی و ریشه داشتن در مکان منجر می‌شود (نقدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۰). در واقع دل‌بستگی به مکان، ارتباطی نمادین با مکان است که با دادن معانی عاطفی و حسی مشترک فرهنگی، توسط افراد به مکان خاص یا یک سرزمین شکل می‌گیرد و مبنای نحوه‌ی ادراک گروه یا فرد از مکان و ارتباط وی با آن می‌باشد. این پیوند عاطفی علاوه بر تأثیرپذیری از ابعاد کالبدی مکان، نتیجه سازوکار اجتماعی، روانی - احساسی پیچیده‌ای است که در تجربه‌ی بلندمدت و عمیق با مکان به وجود می‌آید و متأثر از تعامل با مکان و ابعاد تأثری، شناختی و رفتاری در مکان است. این سازوکار بر پایه‌ی نگرش‌ها، ترجیحات، تجربیات، عقاید و قضاوت مکان چه به‌طور آگاهانه و چه ناآگاهانه در سطح فردی و اجتماعی باعث پیوند عاطفی میان انسان - مکان و یا انسان - انسان در بستر جغرافیایی خاص می‌شود (تلمن، ۲۰۰۹: ۱۹). بُعد عملکردی احساس تعلق اشاره به برآورده شدن نیازها و اهداف فردی مبتنی بر کیفیت مکان در پاسخگویی به نیازهای کاربران و همچنین نحوه‌ی دسترسی به مکان و

الگوهای فعالیتی دارد (ویلیام و واسکر^۱، ۲۰۰۳: ۱۸). علاوه بر آن نقش بُعد کالبدی مکان بر دلبستگی به مکان؛ اشاره مستقیم به وجود تسهیلات و خدمات، نوع ساماندهی، نحوه دسترسی، ترکیب هندسی و تزئینات دارد (صادقی فرشته و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۵۵). در روند شکل‌گیری دلبستگی به مکان عامل زمان نیز دخالت دارد. طول مدت آشنایی افراد با یک مکان، میزان استفاده از آن و طول مدت سکونت در آن عاملی است که گاه بدون توجه به سایر ابعاد سبب بروز دلبستگی به مکان در افراد و گروه‌ها می‌گردد. همچنین موقعیت قرارگیری مکان در زمینه شهری و نحوه ارتباط با پیرامون، زمینه و بستر عواملی هستند که تأثیر فراوانی در دلبستگی به مکان دارد (همان، ۲۵۷).

تعاملات و تعاون اجتماعی: طراحی شهری برای محیط اهمیت ویژه‌ای قائل است و علت اصلی آن، تأثیری است که محیط بر روی تعاملات و رفتارهای اجتماعی افراد می‌گذارد. انسان در محیط شهری حضور می‌یابد و با فعالیت‌ها و برقراری تعاملات اجتماعی به کالبد آن محیط، پویایی و زندگی می‌بخشد. محتوای یک محیط می‌تواند تعیین‌کننده نقش آن محیط در شهر باشد. به عبارتی تا زمانی که شهروندان فرصتی برای برقراری روابط اجتماعی با سایر افراد در یک محیط نیابند و تعاملی برقرار ننمایند، آن محیط نقش خود را به‌عنوان فضای شهری ایفا نکرده است. فضای شهری تنها یک مفهوم کالبدی نیست، بلکه کنش تعاملات شهروندی و فعالیت‌های شهری را نیز در بر می‌گیرد، یعنی کالبدی از شهر را مجسم می‌کند که مکان برقراری فعالیت‌های شهری یا عرصه بروز تعاملات اجتماعی است (علیمردانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰).

تعلق به مکان که بر پایه حس مکان بوجود می‌آید فراتر از آگاهی از استقرار در یک مکان است (حیبی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴). تعلق مکانی مربوط به پتانسیل مکان خاص برای ارضای نیازها و اهداف افراد مربوط می‌شود و فرد را راغب به ماندن در آن مکان می‌کند (معصومی و میرخطیب، ۱۳۹۶: ۵۶). از نگاه پدیدارشناسان، حس مکان به معنای

مرتبط شدن با مکان به واسطه درک نمادها و فعالیت‌های روزمره است. این حس می‌تواند در مکان زندگی فردی به وجود آمده و با گذر زمان عمق و گسترش یابد. ارزش‌های فردی و جمعی بر چگونگی حس مکان تأثیر می‌گذارد و حس مکان نیز بر ارزش‌ها، نگرش‌ها و به‌ویژه رفتار فردی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد (ربیعی‌نژاد و ارغان، ۱۳۹۶: ۷). تأثیر این عناصر بر فرد منجر به درک و تجربه فضایی فرد از شهر می‌گردد و نهایتاً این تجربه و درک فضایی باعث شکل‌گیری تجربه‌های شخصی، جمعی و خاطرات شهروندی می‌شود. به عبارتی بهتر، حس مکان نه فقط باعث هماهنگی و کارکرد مناسب فضای معماری و انسان است؛ بلکه عاملی برای احساس امنیت، لذت و ادراک عاطفی افراد نیز می‌باشد (حبیبی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴). از نگاه رویکرد اجتماعی، حس تعلق به محیط برآیند عواملی از تعاملات اجتماعی می‌باشد؛ که در محیط صورت می‌پذیرد. براساس این دیدگاه محیط حاوی نشانه‌های مشترک اجتماعی و اطلاعات است که فرد با رمزگشایی و درک این عوامل با محیط اطراف خود به تعامل می‌رسد؛ که در نهایت حس تعلق به آن مکان در فرد به وجود می‌آید (ربیعی‌نژاد و ارغان، ۱۳۹۶: ۸).

امنیت اجتماعی: در حوزه‌ی ارتباط فضای شهری با احساس امنیت، جیکوبز بر نقش فضاهای عمومی شهری در ایجاد تعاملات اجتماعی تأکید می‌کند. وی معتقد است، آنچه از یک شهر بیشتر در ذهن می‌ماند، فضاهای عمومی شهر به‌ویژه خیابان‌ها و پیاده‌روهای آن شهر است (بیات، ۱۳۹۶: ۳۳۶). جیکوبز نیاز به خیابان‌های ایمن را در شهر مطرح می‌کند. وی به جداسازی و تشخیص مکان‌های عمومی و خصوصی، تنوع کاربری و اختلاط آن‌ها در سطح شهر اشاره دارد و بر استفاده مؤثر و بازدارنده حضور عابران پیاده در مناطق شهری تأکید می‌ورزد. از دیدگاه او، حضور عابران موجب نظارت بیشتر و کاهش احتمال وقوع جرم می‌شود (جیکوبز، ۱۳۹۲: ۴۰). از دیدگاه جیکوبز، شهرهای جدید به‌گونه‌ای طراحی نشده‌اند که افراد قادر به دیدن خیابان‌های عمومی و مکان‌های اطراف منزل خود باشند. همین امر سبب شده است که امکان کنترل اجتماعی و غیررسمی برای پیشگیری از جرم، از

افراد سلب شود. او معتقد بود که جرم و محیط، نظام‌پذیر، قابل مشاهده و کنترل‌اند و بنابراین، مراقبت‌های معمولی ساکنان شهر، مانعی مهم در بروز جرم است.

مکان‌های شاخص و خاطره‌ساز: از منظر لینچ^۱ معمار و شهرساز امریکایی، سیما یا تصویرذهنی طرحواره ارزش‌گذاری شده در ذهن فرد از منظر شهری است که این تصویر ذهنی فرد از محیط دستاورد دو عامل اصلی است؛ از یک شیء خاطرات، روابط، تجربه‌ها و آرزوها و توقعات و از سوی دیگر دانسته‌های سه بُعدی دریافت شده از "منظر" تصویر ذهنی را به صورت طرحواره شکل می‌دهد. این تصاویر مربوط به زمان حال نمی‌باشد، بلکه آمیخته با تصاویری از گذشته و آینده است که خاطرات فرد از گذشته و توقعاتش از آینده را می‌سازد (پاکزاد، ۱۳۹۱: ۱۶۸). از منظر لینچ فضای شهری تنها عناصر کالبدی شهر را در بر نمی‌گیرد بلکه کارها و رفتارهای افراد را شامل می‌شود. به باور او هر شهروندی پیوند محکم و دیرینه با برخی از بخش‌های شهر داشته و پیوند ذهنی او با یادها و خاطره‌های بسیاری معنا پیدا می‌کند (همان، ۱۷۰). علاوه بر لینچ، پاکزاد نیز شهر را معجونی از فضا و انسان می‌داند که تاریخ‌مند هستند. از نگاه وی تاریخ‌مندی بدین معناست که افراد ساکن در شهر دارای گذشته و آینده مشترکی هستند؛ به بیانی بهتر، هرچه افراد در ظاهر در زمان حال زندگی می‌کنند اما همزمان خاطراتی از گذشته و آرزوهایی برای آینده دارند. لذا شهر مکانی است که در آن خاطرات جمعی و فردی، آرزوهای فردی و جمعی همزمان پیش می‌روند و به همین دلیل این معجون، بسیار پیچیده‌تر از آن است که بتوان آن را در حال یا گذشته خلاصه کرد یا اینکه تنها جنبه‌ی اجتماعی و کالبدی شهر در نظر گرفته شود (رازقی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۰).

فرضیات پژوهش

در تحقیق حاضر، رابطه متغیرهای مکان‌های شاخص و خاطره‌ساز (تاریخی، تفریحی،

مذهبی)، خدمات محله‌ای (دسترسی به خدمات محلی، دسترسی به حمل‌ونقل عمومی)، تعاملات اجتماعی (روابط همسایگی)، تعاون و همکاری محلی، احساس امنیت و متغیرهای زمینه‌ای (نوع شغل، میزان درآمد، وضعیت تأهل، سن، جنس، مدت اقامت، منطقه مسکونی) به عنوان متغیرهای مستقل با احساس تعلق شهروندان به شهر به عنوان متغیر وابسته، مورد آزمون قرار گرفت.

روش‌شناسی پژوهش:

پژوهش حاضر بر اساس نوع داده‌هایی که جمع‌آوری و تحلیل شده، تحقیقی کمی و از لحاظ نوع برخورد با مسأله مورد بررسی و ورود به آن، مطالعه‌ای میدانی با ماهیت، توصیفی می‌باشد؛ همچنین از نظر معیار زمانی نیز، پژوهش حاضر از نوع تحقیقات مقطعی و با توجه به میزان ژرفایی، تحقیق ما پهنانگر می‌باشد.

ابزار تحقیق در این پژوهش پرسشنامه می‌باشد که شامل دویخس متغیرهای جمعیت‌شناختی (سن، جنس، تحصیلات، مدت اقامت، منطقه مسکونی و...) و همچنین عوامل اجتماعی همچون تعاملات اجتماعی، امنیت اجتماعی، تعاون و همکاری، خدمات محله‌ای، مکان‌های شاخص و خاطره‌ساز که بر میزان احساس تعلق شهروندان اثرگذار هستند. جامعه آماری این پژوهش را شهروندان بندرعباسی ۱۸ سال به بالا بوده که بیش از ده سال سابقه سکونت در این شهر را داشته‌اند. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است که بر اساس این فرمول، نمونه ۳۰۰ نفری تعیین گردیده است. با توجه به اینکه جامعه آماری خاصی (ساکنان ۱۸ سال به بالا با بیش از ده سال سابقه سکونت در شهر بندرعباس) مدنظر بود، از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد و نیز از آنجائی که شهر را به مناطق سه‌گانه تقسیم‌بندی کرده‌ایم و پاسخگویان را از بین منطقه، خیابان، بلوک و منازل انتخاب نمودیم، به‌طور همزمان علاوه بر شیوه نمونه‌گیری هدفمند، از روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای نیز استفاده گردید. در نهایت، تعداد پاسخگویان و نمونه‌ی

آماری به صورت تصادفی انتخاب شدند. برای بالا بردن اعتبار پرسشنامه ابتدا اعتباری صورتی سؤالات با استفاده از نظرات متخصصان و اساتید مورد بررسی قرار گرفت؛ همچنین با مرور ادبیات نظری و تجربی موجود، تلاش شده است تا متغیرها و گویه‌هایی که در پژوهش‌های ملی و بین‌المللی پیشین وجود داشته‌اند؛ مورد توجه و استفاده قرار گرفته شوند تا اعتبار پژوهش حاصل گردد. در مرحله بعد برای افزایش اعتبار درونی، همبستگی بین شاخص ساخته شده از ضریب آلفای کرونباخ برای آزمون پایایی استفاده شده است؛ که ضریب آلفای به دست آمده از پرسشنامه، برای هر یک از طیف‌ها از ۰.۷۰ بالا یا نزدیک آن بوده است، بنابراین همبستگی درونی گویه‌ها زیاد بوده است. پس از جمع‌آوری پرسشنامه، با استفاده از نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل داده‌ها صورت گرفت. بنابراین، تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی همچون جداول فراوانی، میانگین و غیره و همچنین آزمون‌های تی تست، آنوا و ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرمن، رگرسیون استفاده شده است.

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

احساس تعلق: احساس تعلق اجتماعی عبارت است از حس دلبستگی، وابستگی و وفاداری به جامعه که موجب همبستگی بین افراد و ایجاد پیوستگی یا "احساس ما" شده به نحوی که فرد، خود را بخش جدایی‌ناپذیری از جامعه می‌داند (بیدل و محمودزاده، ۱۳۹۱: ۴۷) که برای ارزیابی میزان احساس تعلق، از هشت گویه استفاده شده است که در سطح سنجش ترتیبی در قالب طیف ۵ قسمتی لیکرت از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم مورد سنجش قرار گرفته است. برای ساخت گویه‌های مربوط به احساس تعلق مکانی از تحقیقات پیشین همچون صالحیان اغبلاخ (۱۳۹۷)، اقدو و همکارانش^۱ (۲۰۱۷)، کایل^۲ و

1. Acedo et al

2. Kayle

همکاران (۲۰۰۵)، تیلور^۱ (۱۹۹۶)، استفاده شده است.

تعاملات اجتماعی: تعامل اجتماعی به معنای ایجاد رابطه بین دو نفر یا بیشتر که منجر به واکنش میان آن‌ها شده و این نوع واکنش برای هر دو طرف شناخته شده باشد (منصورماهانی، ۱۳۹۴: ۵) که برای ارزیابی میزان تعاملات اجتماعی، از نه گویه استفاده شده است که در قالب طیف ۵ قسمتی لیکرت از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم مورد سنجش قرار گرفته است. همچنین برای اندازه‌گیری این متغیر از تحقیقات پیشینی همچون پژوهش پیککولی و رولرو (۲۰۱۰) در ایتالیا، طاووسی و همکاران (۱۳۹۵) و نقدی و همکاران (۱۳۹۵)، احمدی و همکاران (۱۳۹۳) استفاده گردید.

امنیت اجتماعی: احساس امنیت عبارت است از نوعی ذهنیت و جهت‌گیری روانی مثبت از سوی شهروندان نسبت به عدم تأثیرگذاری رویدادها و تهدیدات در شرایط فعلی و آتی، در حوزه‌های امنیت اجتماعی، ثبات سیاسی، انسجام هویتی، یکپارچگی و امنیت سرزمین (الماسی، ۱۳۹۵: ۱۱۲). برای ارزیابی میزان امنیت اجتماعی، از هشت گویه طیف ۵ قسمتی لیکرت استفاده شده است. پژوهشگرانی مانند صالحیان‌اغبلانغ (۱۳۹۷)، لطفی‌کرج (۱۳۹۵)، قاسمی و همکاران (۱۳۹۳)، در مطالعات خود برای سنجش امنیت اجتماعی از گویه‌های فوق استفاده کرده‌اند.

خدمات محله‌ای: کیفیت خدماتی، امور کالبدی محله را شامل می‌شود، مانند کیفیت روشنایی، پیاده‌روها، خیابان‌ها، حمل و نقل عمومی، امکانات خرید و ورزش، کیفیت مدارس، مسجد، مراکز بهداشتی، کیفیت امکانات گذران اوقات فراغت، بهداشت محله، آرامش و سکوت، شکل ظاهری محله، دسترسی به خدمات بانکی و جمع‌آوری به موقع زباله (مبارکی و صلاحی، ۱۳۹۲: ۲۹۶). برای ارزیابی میزان خدمات محله‌ای، از هفت گویه در قالب طیف ۵ قسمتی لیکرت را شامل می‌شود. برای سنجش این متغیر بر نظر اساتید تکیه شده و از پژوهش‌های مبارکی و صلاحی (۱۳۹۱)، قاسمی و همکاران

1 . Taylor

(۱۳۹۳)، حقیقتیان و همکاران (۱۳۹۴)، لطفی کزج (۱۳۹۵)، نیز برای اندازه‌گیری این متغیر استفاده شده است.

همکاری و تعاون محله‌ای: در فرهنگ معین تعاون به معنی، به هم یاری کردن، مددکاری یکدیگر و دست‌گیری آمده است. آگ برن و نیم‌کف نیز همکاری را یکی بودن مساعی دو یا چند شخص برای رسیدن به هدفی معین تعریف کرده‌اند و در تعریف گولد و کولب همکاری به عمل جمعی در جهات هدف‌های مشترک اطلاق می‌گردد (احمدلو، ۱۳۹۴: ۱۱-۱۲). برای ارزیابی همکاری و تعاون محله‌ای، از شش گویه در سطح سنجش ترتیبی در قالب طیف ۵ قسمتی لیکرت استفاده شده است. برای سنجش این متغیر، از اعتبار صوری و محتوایی استفاده شده است. همچنین برای اندازه‌گیری این متغیر از تحقیقات پیشین مانند لطفی کزج (۱۳۹۵)، قاسمی و همکاران (۱۳۹۳)، و همچنین مفرح و همکاران (۱۳۹۳) استفاده شده است. همچنین برای ساختن این گویه‌ها از پرسشنامه استاندارد سنجش همسایگی پاول والین وام گرفتیم؛ اما باتوجه به بافت شهر و بومی‌سازی تنها ۶ گویه مورد استفاده قرار گرفته است که بیشتر از نظریات اتخاذ شده است.

مکان‌های شاخص و خاطره‌ساز: شهر فقط یک کالبد یا مکان نیست. شهر، یک خاطره است، تأثیر و تأثیری از زمان‌های متفاوت. فضاهای شهری به سبب خصوصیات کالبدی نمادین خود و واقعه و حادثه‌های جاری در آن، هویت‌بخش بوده و موجب خاطرات فردی و جمعی در اذهان افراد و جامعه می‌گردند. امری که سبب حس تعلق به مکان و زمان و هویت یافتن فرد در شهر می‌شود. فضای شهری به سبب حادثه‌ها و واقعه‌ها از یک سو و عناصر کالبدی خود از سوی دیگر، خاطره‌انگیز می‌شوند (حبیبی و سیدبرنجی، ۱۳۹۵: ۳۳۳). برای ارزیابی مکان‌های شاخص و خاطره‌ساز شش سؤال و گویه مطرح و در قالب طیف ۵ قسمتی لیکرت مورد سنجش قرار گرفت است. در این مطالعه برای سنجش این متغیر، از اعتبار صوری و محتوایی و همچنین از تحقیقات پیشین مانند نقدی و همکاران (۱۳۹۵)، احمدی و همکاران (۱۳۹۳) استفاده گردیده است.

جدول ۱: گویه‌های مربوط به متغیرهای پژوهش

ضریب آلفا	گویه‌ها	شاخص
۰/۸۶	<p>زندگی در بندرعباس را به زندگی در هر جای دیگری ترجیح می‌دهم. نسبت به شهر و مردم آن احساس دوستی و تعلق خاطر زیادی دارم. افتخار می‌کنم که اعضای خانواده‌ام در بندرعباس زندگی می‌کنند. برای بهتر شدن شهر بندرعباس، حاضرم هر کاری از دستم برمی‌آید انجام دهم. من ترجیح می‌دهم تا آخر عمر در بندرعباس زندگی کنم. اگر توان مالی و امکان آن را داشته باشم، شهرداری را برای زندگی انتخاب می‌کنم. بندرعباس زیباترین و آرام‌ترین مکان برای زندگی من و خانواده‌ام است. اینکه کسی به بندرعباس توهین کند را به هیچ وجه تحمل نمی‌کنم.</p>	احساس تعلق
۰/۶۵	<p>حاضرم برای بهبود اوضاع شهرم (بندرعباس) مبالغی را که قانون معین کرده است (عوارض شهرداری، خلافی ساخت منزل و ...) را به‌موقع پرداخت کنم. به شرکت در فعالیت‌های فرهنگی-هنری، زیباسازی شهر و پاکسازی ساحل علاقه ندارم. از دیگران برای گفتگو در جهت حل مسائل شهری بندرعباس دعوت می‌کنم. من پیشنهادات خودم را برای حل مسائل و بهتر شدن اوضاع شهری به شورای شهر ارائه می‌کنم. هر وقت کار گروهی انجام دادم از آن ناراضی بودم. من در انجمن‌های مردمی مانند علمی-فرهنگی، انجمن‌ها زیست محیطی و... که در زمینه شهری فعالیت می‌کنند مشارکت می‌کنم. اداره شهر نه به خواست شهروندان، بلکه بنابر نظر و سلیقه مدیران شهری صورت می‌پذیرد و مشارکت من در فعالیت‌های شهری بی‌فایده است. شرکت در فعالیت‌های شهری موجب اتلاف وقت افراد می‌شود. نباید از مردم توقع داشت به نظافت شهر و محله خود رسیدگی کنند زیرا مسئولیت نظافت شهر به عهده شهرداری است.</p>	تعاملات اجتماعی

<p>۰/۷۹</p>	<p>در هنگام شب خطرات زیادی برای رفت و آمد اهالی محل وجود دارد. گاهی احساس می‌کنم هنگامی که برای خرید یا تفریح به بیرون می‌روم، ممکن است گرفتار آدم‌های لایبالی شوم. از اینکه پول نقد به مقدار زیاد همراه خود داشته باشم، احساس ترس ندارم. تردد کودکان و زنان به تنهایی و در شب بندرعباس امکان‌پذیر است. در این محله، می‌توان در کمال آرامش، تنها در خانه زندگی کرد. در زمانی که کوچه یا خیابان محله مان خلوت باشد بیرون نمی‌روم. در مکان‌های شلوغ، نگران دزدیده شدن وسایل شخصی‌ام هستم. در شرایط فعلی، مال و اموال مردم، در این محله در امان است.</p>	<p>امنیت اجتماعی</p>
<p>۰/۷۵</p>	<p>دسترسی به مراکز تجاری بندرعباس به راحتی امکان‌پذیر است. دسترسی به کتابخانه و سالن‌های مطالعه به راحتی امکان‌پذیر است. فضاهای سبز در محله به خوبی تجهیز شده‌اند. دسترسی به خدمات شهری و درمانی در محله، به راحتی امکان‌پذیر است. فضاهای ورزشی کافی و مناسبی در محله وجود دارد. تهیه و تدارک نیازهای اساسی و روزمره در محله به راحتی امکان‌پذیر است. فقدان فضاهای عمومی اجازه گذران اوقات فراغت را نمی‌دهد.</p>	<p>خدمات محله‌ای</p>
<p>۰/۷۲</p>	<p>اگر برای یکی از همسایگانم مشکلی پیش آید، با دیگر همسایگان برای رفع مشکل به آن کمک می‌کنم. معمولاً با همسایگان برای بهبود وضعیت محله برنامه‌ریزی می‌کنیم، برای تصمیم‌گیری در مورد محله، همسایگان دور هم جمع می‌شویم. من در مراسمات عزاداری و جشن‌های محله شرکت می‌کنم، معمولاً در انجمن‌ها و شوراهای محله‌ای شرکت می‌کنم، اگر برایم مشکلی به وجود آمد سعی می‌کنم بدون دخالت همسایگانم آن را حل کنم.</p>	<p>همکاری و تعاون محله‌ای</p>
<p>۰/۶۳</p>	<p>مکان‌های تاریخی و تفریحی بندرعباس را می‌شناسم و به آن افتخار می‌کنم. از امکانات و جاذبه‌های ساحل همیشه لذت می‌برم. از اینکه بافت قدیمی و تاریخی بندرعباس تخریب شود، احساس خوبی ندارم. برای حفظ بافت سنتی بندرعباس تلاش می‌کنم. از اینکه در بندرعباس با بافت و بناهای تاریخی زندگی می‌کنم، احساس غرور می‌کنم. دوست داشتم بافت و ظاهر بندرعباس بسیار مدرن‌تر باشد.</p>	<p>مکان‌های شاخص و خاطره‌ساز</p>

یافته‌های توصیفی:

توزیع فراوانی متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد که ۱۵۶ نفر (۵۲٪) از پاسخگویان مرد و ۱۴۴ نفر (۴۸٪) از پاسخگویان زن می‌باشند. فراوانی وضعیت تأهل پاسخگویان بیان‌کننده این است ۱۱۸ نفر (۳۹.۳ درصد) مجرد و ۱۶۴ نفر (۵۴.۷ درصد) متأهل و ۱۸ نفر (۰.۶ درصد) از پاسخگویان نیز گزینه سایر را انتخاب کرده‌اند. همچنین داده‌ها نشان می‌دهد بیشترین گروه سنی متعلق به ۳۳-۳۷ (۲۵.۳ درصد) و ۲۷-۲۳ (۲۴.۳ درصد) و کمترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۵۰ سال به بالا (۰.۳ درصد) بوده است. از لحاظ میزان درآمد، بیشترین درآمد پاسخگویان بین یک تا دو میلیون تومان ۷۴ نفر (۲۴ درصد) و کمترین میزان درآمد پاسخگویان بیش از پنج میلیون تومان ۱ نفر (۰.۳ درصد) می‌باشد. توزیع فراوانی تحصیلات پاسخگویان نشان می‌دهد، بیشترین تحصیلات متعلق به مقطع لیسانس ۹۳ نفر (۳۱ درصد) و دومین فراوانی با اختلاف اندکی متعلق به مقطع دیپلم با ۹۲ نفر (۳۰.۷ درصد) و همچنین کمترین میزان مربوط مقطع دکتری با یک نفر (۰.۳ درصد) است. همچنین می‌توان گفت، بیشترین فراوانی متعلق به مشاغل آزاد ۱۲۶ نفر (۴۲ درصد) و کمترین فراوانی به مشاغل نظامی ۳ نفر (۱.۰ درصد) تعلق می‌گیرد. توزیع فراوانی منطقه مسکونی پاسخگویان نیز نشان‌دهنده بیشترین تعداد سکونت ۱۱۴ نفر (۳۸.۰ درصد) در منطقه یک و همچنین ۱۰۰ نفر (۳۳.۳ درصد) از پاسخگویان ساکن منطقه سه و کمترین تعداد ۸۶ نفر (۲۸.۷ درصد) در منطقه دو هستند. در نهایت، بیشترین تعداد ۱۶۴ نفر (۵۴.۷ درصد) مدت بیش از بیست سال و ۷۶ نفر (۲۵.۳ درصد) از پاسخگویان بین ده تا پانزده سال و کمترین تعداد ۶۰ نفر (۲۰ درصد) بین پانزده تا بیست سال در شهر بندرعباس ساکن بودند.

باتوجه به میانگین به‌دست‌آمده می‌توان بدین نتیجه رسید که مکان‌های شاخص و خاطره‌ساز، تعاون و همکاری محله‌ای و احساس تعلق در بین شهروندان بندرعباس متوسط رو به بالا است؛ همچنین خدمات محله‌ای و امنیت اجتماعی در بندرعباس در حد نسبتاً پایینی قرار داشت و با توجه به میانگین به‌دست‌آمده از میزان تعاملات اجتماعی می‌توان گفت تعامل و همکاری شهروندان بندرعباسی بالا بوده است.

یافته‌های استنباطی:

فرضیه اول: بین تعاملات اجتماعی (روابط همسایگی) و احساس تعلق شهروندان به شهر بندرعباس رابطه وجود دارد.

برای بررسی رابطه بین متغیرهای تعاملات اجتماعی و احساس تعلق شهروندان از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که بین این دو متغیر از نظر آماری رابطه معنی‌دار و مثبت در سطح (۰.۰۵) وجود دارد و ضریب همبستگی در این رابطه (۰.۴۱۹) می‌باشد. در نتیجه می‌توان گفت که هرچقدر تعاملات اجتماعی بین پاسخگویان قوی‌تر باشد، احساس تعلق آنها به شهر هم بیشتر خواهد بود.

جدول ۲: نتایج آزمون رابطه تعاملات اجتماعی با میزان احساس تعلق

احساس تعلق				متغیرها
تأیید یا عدم‌تأیید	جهت رابطه	ضریب همبستگی	سطح معناداری	
تأیید	مثبت	۰/۴۱۹**	۰/۰۰۰	تعاملات اجتماعی

فرضیه دوم: بین امنیت اجتماعی و احساس تعلق شهروندان به شهر بندرعباس رابطه وجود دارد.

ضریب همبستگی پیرسون بین امنیت اجتماعی و احساس تعلق نشان می‌دهد که بین دو متغیر رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. ضریب همبستگی در این رابطه (۰.۳۸۳) و سطح معنی‌داری (۰.۰۰۰) می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که هر میزان امنیت اجتماعی بیشتر باشد، میزان احساس تعلق مردم نسبت به شهر نیز بیشتر می‌شود. نتیجه در جدول شماره ۳ گزارش شده است.

جدول ۳: نتایج آزمون رابطه امنیت اجتماعی با میزان احساس تعلق

احساس تعلق				متغیرها
تأیید یا عدم‌تأیید	جهت رابطه	ضریب همبستگی	سطح معناداری	
تأیید	مثبت	۰/۳۸۳**	۰/۰۰۰	امنیت اجتماعی

فرضیه سوم: بین خدمات محله‌ای و احساس تعلق شهروندان به شهر بندرعباس رابطه وجود دارد.

برای بررسی رابطه بین خدمات محله‌ای و احساس تعلق شهروندان از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است؛ نتایج همبستگی پیرسون در جدول شماره ۴ بیانگر رابطه بین خدمات محله‌ای و احساس تعلق است. سطح معناداری (۰/۰۰۰) نشان می‌دهد که بین دو متغیر رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. ضریب همبستگی در این رابطه (۰/۲۲۷) می‌باشد. به عبارت دیگر می‌توان گفت هرچقدر خدمات محله‌ای بیشتر باشد، به همان نسبت نیز میزان احساس تعلق شهروندان بیشتر می‌شود.

جدول ۴: نتایج آزمون رابطه خدمات محله‌ای با میزان احساس تعلق

احساس تعلق				متغیرها
تأیید یا عدم تأیید	جهت رابطه	ضریب همبستگی	سطح معناداری	
تأیید	مثبت	۰/۲۲۷**	۰/۰۰۰	خدمات محله‌ای

فرضیه چهارم: بین تعاون و همکاری محله‌ای و احساس تعلق شهروندان به شهر بندرعباس رابطه وجود دارد.

یافته‌های جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که بین تعاون و همکاری با میزان احساس تعلق رابطه مثبت و معنی‌داری با میزان ضریب همبستگی حدوداً (۰/۲۵۷) وجود دارد. یافته‌های ضریب همبستگی نشان می‌دهد که هر چقدر تعاون و همکاری در سطح محله افزایش یابد؛ میزان احساس تعلق به شهر نیز بیشتر خواهد شد.

جدول ۵: نتایج آزمون رابطه تعاون و همکاری محله‌ای با میزان احساس تعلق

احساس تعلق				متغیرها
تأیید یا عدم تأیید	جهت رابطه	ضریب همبستگی	سطح معناداری	
تأیید	مثبت	۰/۲۵۷**	۰/۰۰۰	تعاون و همکاری محله‌ای

فرضیه پنجم: بین مکان‌های شاخص و خاطره‌ساز و احساس تعلق شهروندان به شهر بندرعباس رابطه وجود دارد.

نتایج جدول ۶ همچنین نشان می‌دهد که بین متغیر مکان‌های شاخص و خاطره‌ساز با احساس تعلق به شهر رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد. با توجه به ضریب همبستگی (۰.۵۱۹) و سطح معناداری (۰.۰۰۰) می‌توان گفت که ارتباط معنادار قوی و مثبت بین دو متغیر مذکور وجود دارد و به هر میزان فرد، شناخت و خاطره بیشتری از مکان‌های خاطره‌ساز شهر داشته باشد، احساس تعلق آن به شهر بیشتر خواهد بود.

جدول ۶: نتایج آزمون رابطه مکان‌های شاخص و خاطره‌ساز با میزان احساس تعلق

احساس تعلق				متغیرها
تأیید یا عدم تأیید	جهت رابطه	ضریب همبستگی	سطح معناداری	
تأیید	مثبت	۰/۵۱۹**	۰/۰۰۰	مکان‌های شاخص

فرضیه ششم: بین متغیرهای جمعیت‌شناختی (سن، تحصیلات، درآمد، وضعیت تأهل، مدت اقامت، منطقه مسکونی، شغل و جنسیت) و احساس تعلق شهروندان به شهر بندرعباس رابطه وجود دارد.

با توجه به اطلاعات به دست آمده در جدول شماره ۷، برای سنجش رابطه بین متغیر سن و احساس تعلق شهروندان از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. با توجه به نتایج حاصله، سطح معناداری برابر است با (۰.۶۵۷) که از میزان خطای پذیرفته شده در علوم اجتماعی که همان (۰.۰۵) می‌باشد؛ بیشتر است. پس می‌توان گفت از نظر آماری بین دو متغیر سن و احساس تعلق شهروندان رابطه معناداری وجود ندارد.

نتایج آزمون استنباطی همچنین نشان داد که از نظر آماری بین دو متغیر تحصیلات و احساس تعلق شهروندان رابطه معناداری وجود دارد. ضریب همبستگی در این رابطه (۰.۱۱۴) و سطح معنی داری (۰.۰۴۹) می‌باشد؛ بدین معنا که اگر به میزان (۰.۱۱۴) تحصیلات افزایش یابد به همان میزان نیز احساس تعلق شهروندان به شهر افزایش خواهد یافت.

داده‌های جدول ۷، همچنین بیانگر نتایج همبستگی پیرسون بین میزان درآمد و احساس تعلق است. یافته‌ها نشان می‌دهد که از نظر آماری بین دو متغیر درآمد و احساس تعلق شهروندان رابطه معناداری وجود ندارد. سطح معناداری به دست آمده (۰.۹۶۵) که از میزان خطای پذیرفته شده در علوم اجتماعی که همان (۰.۰۵) می‌باشد؛ بیشتر است؛ تأییدکننده‌ی نتایج فوق می‌باشد.

جدول ۷: نتایج آزمون رابطه متغیرهای مستقل با میزان احساس تعلق

احساس تعلق				متغیرها
تأیید یا عدم تأیید	جهت رابطه	ضریب همبستگی	سطح معناداری	
عدم تأیید	مثبت	۰/۰۲۶	۰/۶۵۷	سن
تأیید	مثبت	۰/۱۱۴**	۰/۰۴۹	تحصیلات
عدم تأیید	معکوس	-۰/۰۳	۰/۹۶۵	درآمد

تحلیل واریانس رابطه احساس تعلق شهروندان و وضعیت تأهل نشان می‌دهد که با توجه به مقدار $F(0.145)$ و سطح معنی داری ($sig=0.865$) این تفاوت میانگین‌ها به لحاظ آماری معنی دار نیست. به عبارت بهتر، میانگین احساس تعلق در بین گروه‌های وضعیت تأهل تفاوتی ندارد. همچنین با توجه به نتایج تحلیل واریانس در جدول شماره ۸، بیشترین میزان احساس تعلق مربوط به افرادی است که بیش از بیست سال در شهر بندرعباس سکونت دارند.

علاوه بر آن جدول شماره ۸، بیانگر سنجش رابطه بین متغیرهای منطقه مسکونی با احساس تعلق می‌باشد که با توجه به مقدار $F(4.221)$ و سطح معنی داری ($sig=0.016$) این تفاوت میانگین‌ها به لحاظ آماری معنی دار است. به بیانی بهتر، بیشترین میزان احساس تعلق مربوط به افرادی است که در منطقه دو شهر بندرعباس سکونت دارند.

نتایج آزمون تحلیل واریانس در جدول ۸، رابطه شغل با احساس تعلق را نشان می‌دهد که

میانگین احساس تعلق در بین مشاغل گوناگون، تفاوت معناداری ندارد. که میزان معناداری (sig=۰.۸۶۵) و همچنین مقدار F (F=۰.۱۴۵) تأییدکننده‌ی رابطه فوق می‌باشد.

جدول ۸: نتایج آزمون تحلیل واریانس متغیرهای زمینه‌ای با احساس تعلق

متغیر	طبقات	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	سطح معناداری
وضعیت تأهل	مجرد	۲۷/۸۰	۶/۸۹	۰/۵۶۳	۰/۵۷۰
	متاهل	۲۸/۰۷	۷/۲۴		
	سایر	۲۶/۲۲	۵/۹۷		
مدت اقامت	بین ۱۰ تا ۱۵ سال	۲۴/۳۴	۶/۹۴	۳۳/۶۶	۰/۰۰۰
	بین ۲۰ تا ۱۵ سال	۲۴/۸۰	۵/۹۷		
	بیش از ۲۰ سال	۳۰/۵۹	۶/۲۲		
منطقه مسکونی	منطقه یک	۲۸/۴۳	۷/۸۵	۴/۲۲۱	۰/۰۱۶
	منطقه دو	۲۸/۹۶	۵/۵۹		
	منطقه سه	۲۶/۲۳	۶/۶۸		
شغل	محصل	۲۸/۳۵	۶/۶۸	۰/۸۷۴	۰/۴۹۹
	خانه دار	۲۸	۶/۱۸		
	آزاد	۲۷/۵۸	۷/۵۹		
	کارمند	۲۸	۷/۰۸		
	فرهنگی	۳۰	۴/۳۳		
	نظامی	۲۰/۶۷	۲/۳۱		

جدول شماره ۹، نشان‌دهنده سنجش رابطه بین جنسیت پاسخگویان و میزان احساس تعلق شهروندان به شهر است. نتایج حاصل از آزمون تی تست نشان می‌دهد که میزان احساس تعلق بین زنان و مردان تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

جدول ۹: نتایج آزمون تی تست رابطه جنسیت با احساس تعلق

احساس تعلق				جنسیت
سطح معناداری	مقدار F	مقدار T	میانگین	
۰/۹۹۵	۰/۰۰۰	-۰/۷۵۰	۲۷/۵۶	مرد
		-۰/۷۵۰	۲۸/۱۷	زن

رگرسیون خطی

نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره نشان می‌دهد که میزان $F(۲۳,۰۰۰)$ و میزان معناداری آن برابر $(۰,۰۰۰)$ بوده و نشان‌دهنده‌ی معناداری کل مدل می‌باشد. با مقایسه ضرایب رگرسیونی (Beta) مشخص می‌شود که بیشترین تأثیر را متغیر مکان‌های شاخص و خاطره‌ساز بر میزان احساس تعلق شهروندان دارد؛ مکان‌های شاخص $(Beta=۰,۳۶۶)$ واریانس میزان احساس تعلق به شهر بندرعباس را تبیین کرده است؛ بدین معنا که با کنترل سایر متغیرهای پژوهش، به ازای هرواحد انحراف معیار در مکان‌های شاخص $(۰,۳۶۶)$ درصد واحد انحراف معیار در احساس تعلق افراد تغییر به-وجود می‌آید. همچنین متغیر تعاملات اجتماعی و احساس امنیت نیز در مرتبه دوم و سوم تأثیرگذاری بر میزان احساس تعلق قرار دارند.

جدول ۱۰: ضرایب رگرسیونی مدل تبیین‌کننده‌ی میزان احساس تعلق

Sig	F	R ²	R	شاخص‌ها
۰/۰۰۰	۲۳	۰/۳۷۱	۰/۶۲۲	ضرایب

T	Beta	B	سطح معناداری	متغیرها
۴/۳۸۲	۰/۲۴۲	۰/۳۰۷	۰/۰۰۰	تعاملات اجتماعی
۴/۰۴۵	۰/۲۱۱	۰/۲۲۵	۰/۰۰۰	احساس امنیت
۰/۴۳۶	۰/۰۲۳	۰/۰۲۹	۰/۶۶۳	خدمات محله‌ای
۰/۷۶۸	۰/۰۴۳	۰/۰۶۶	۰/۴۴۳	تعاون و همکاری
۶/۹۵۵	۰/۳۶۶	۰/۵۸۰	۰/۰۰۰	مکان‌های شاخص
-۱/۱۰۷	-۰/۰۵۵	-۰/۲۴۹	۰/۲۶۹	سن
۰/۰۸۹	۰/۰۰۴	۰/۰۲۵	۰/۹۲۹	تحصیلات
-۰/۰۳۱	-۰/۰۰۲	-۰/۰۰۸	۰/۹۷۵	درآمد

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر پرداختن به بحث احساس تعلق شهروندان به‌عنوان یکی از مسائل جدید شهری در شهر بندرعباس و همچنین رابطه آن با متغیرهایی مانند احساس امنیت اجتماعی، تعاملات اجتماعی، تعاون و همکاری محله‌ای، خدمات محله‌ای، مکان‌های شاخص، مدت اقامت، منطقه مسکونی و تحصیلات بود.

یافته‌های تحقیق نشان داد که میزان احساس تعلق شهروندان در حد متوسط رو به بالا بوده و میزان تعامل اجتماعی پاسخگویان نیز در حد بالاگزارش شده است. میزان خدمات شهری و امنیت اجتماعی از نظر پاسخگویان نیز در حد پایینی قرار داشته است. بررسی متغیرهای زمینه‌ای نشان داد که بین منطقه مسکونی، مدت اقامت و تحصیلات با احساس تعلق رابطه‌ی معناداری وجود دارد، اما بین متغیرهایی همچون جنسیت، شغل، وضعیت تأهل، سن و درآمد با میزان احساس تعلق رابطه معناداری وجود ندارد.

براساس یافته‌های پژوهش افرادی که بیش از ۲۰ سال در شهر بندرعباس سکونت داشته‌اند، نسبت به سایرین از احساس تعلق بیشتری برخوردار بوده‌اند؛ از دیدگاه کارسادا و جانویتز^۱ نیز ثبات، بهترین پیش‌بینی کننده دل‌بستگی به محل عنوان شده است؛ طبق این نظریه ثبات و اقامت طولانی مدت در یک منطقه امکان آشنایی، ارتباط و تعاملات را افزایش می‌دهد و پیوندهای رسمی و غیررسمی بین ساکنین تقویت می‌شود؛ که این پیوندها دل‌بستگی و تعلق خاطر قوی‌تری را نسبت به محله‌مسکونی ایجاد می‌کند. همچنین به تعبیر مارکوس^۲ باید اشاره کرد که با گذشت زمان و ایجاد علاقه فرد به محیط، احساس تعلق مکانی شکل می‌گیرد. پژوهش نقدی و همکاران (۱۳۹۵) تأییدکننده‌ی رابطه فوق می‌باشد.

نتایج تحقیقات نشان داد که بین متغیرهای تعاملات اجتماعی، امنیت اجتماعی، خدمات محله‌ای، تعاون و همکاری محله‌ای و مکان‌های شاخص و خاطره‌ساز با احساس تعلق شهروندان رابطه قوی و معناداری وجود دارد؛ بدین معنا که هرچه قدر میزان

تعاملات اجتماعی، امنیت اجتماعی، خدمات محله‌ای، تعاون و همکاری محله‌ای و مکان‌های شاخص و خاطره‌ساز افزایش یابد به همان میزان نیز احساس تعلق افراد نسبت به شهر افزایش می‌یابد. نتایج آزمون رگرسیون نیز نشان داد که متغیرهای (تعاملات اجتماعی، امنیت اجتماعی، خدمات محله‌ای، تعاون و همکاری محله‌ای و مکان‌های شاخص و خاطره‌ساز) ۳۷ درصد از احساس تعلق نسبت به شهر را تبیین کرده‌اند؛ که به ترتیب مکان‌های شاخص، تعاملات اجتماعی و همچنین امنیت اجتماعی بیشترین میزان تبیین‌کنندگی را داشته‌اند.

حس تعلق واجد دو بُعد کالبدی و اجتماعی است که نتایج، نشان‌دهنده برتری تعلق کالبدی در محیط می‌باشد. همچنین بر اساس نتایج به‌دست آمده، حس تعلق به مکان منطبق بر مدل شکل‌گیری معنا در محیط (برآیند تعامل فرد، دیگران و فرد)، از یک طرف وابسته به مشخصات و ویژگی فردی شامل: انگیزش‌ها، شایستگی‌ها و شناخت افراد نسبت به مکان بوده و از طرف دیگر ریشه در تعاملات اجتماعی و ارتباط فرد با دیگران در محیط دارد که منبث از نیاز انسانی تعلق به‌عنوان نیاز اولیه انسانی می‌باشد و در صورت عدم تأمین این نیازها از مکان، احساس عاطفی مثبتی بین فرد و مکان به‌وجود نخواهد آمد. امروزه روابط اجتماعی قوی در شهر و همسایگی، بخش مهمی از فضای عمومی شهر است. از منظر رابرت پارک نیز مراد، همکاری و تعاون، منافع محلی و تعاملات اجتماعی از جمله حضور در جشن‌ها و انجمن‌ها، دلبستگی محلی ایجاد می‌کند؛ پس نظام همسایگی و تعاملات در محله را می‌توان از مهم‌ترین مؤلفه‌های تعاملات انسانی (که معمولاً به این نظام همسایگی اجتماع می‌گویند) به‌شمار آورد. نتایج این پژوهش صالحیان‌آغبلاغ (۱۳۹۷)، لطفی‌کزیج (۱۳۹۵)، قاسمی و همکاران (۱۳۹۳) همسو است.

حس آسایش، آرامش، امنیت و تداعی خاطرات فردی و جمعی به‌واسطه حضور در فضا، نقش مؤثری را در دلبستگی در چنین فضاهایی داراست. همچنین در مورد دلبستگی معنایی نیز می‌توان گفت، رخدادهای معانی و مفاهیم در فضا وابسته به تجربیات شخصی و گروهی افراد است. این امر به‌شدت متأثر از تکرار بازدید و حضور مکرر افراد در مجتمع،

تعامل اجتماعی افراد با همدیگر و ویژگی‌های فضایی و معماری است. نظریات لینچ (۱۳۷۸)، پاکزاد (۱۳۹۱) بر این نکته تأکید دارد که خاطرات مشترک در یک مکان، پیوند ذهنی فرد با مکان و حس فرد به یک مکان؛ سبب ایجاد تعلق به آن مکان خاص خواهد شد. مفهوم اجتماع اغلب با تعلق خاطر^۱ همراه است (خطیبی، ۱۳۹۶: ۱۱۵). پارسونز نیز بر این باور است که انسجام در سطح نظام اجتماعی و کنش‌های اجتماعی افراد که در واکنش به دیگران صورت می‌گیرد، به همکاری و انسجام با دیگران می‌انجامد؛ که این امر مسئولیت، وفاداری و تعلق اجتماعی را به حد اعلائی خود می‌رساند (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶). همچنین استاسی^۲ (۱۹۶۹) بر این باور است که حس تعلق با روابط و تعاملات اجتماعی طوری در هم آمیخته که در محدوده‌ی جغرافیایی خاص روی می‌دهد. از این رو، می‌توان گفت حس اجتماع (تعاملات) محلی با احساس تعلق همراه است. به بیان براون و پرکینز^۳ نیز تعلق مکانی طی زمان به‌صورت ناخودآگاه، براساس پیوندهای رفتاری و تعاملات بین اشخاص یا گروه‌ها و محیط‌های اجتماعی کالبدی آن شکل گرفته است. نتایج پژوهش پیککولی و رولرو (۲۰۱۰) در ایتالیا، طاووسی و همکاران (۱۳۹۵)، نقدی و همکاران (۱۳۹۵)، صالحیان‌آغبلاغ (۱۳۹۷) تأییدکننده‌ی رابطه فوق می‌باشد. بنابراین می‌توان با تکیه بر نظریات، اینگونه اظهار داشت که احساس امنیت اجتماعی سبب افزایش تعاملات اجتماعی شده و این نظام همسایگی و تعاملات باعث افزایش انسجام، تعاون و همکاری در محله خواهند شد. در نهایت منجر به افزایش تعلق به محله یا شهر محل سکونت می‌گردند. برطبق نظریه وفاق اجتماعی دورکیم، همبستگی عاملی برای تقویت ارتباط و تعاملات اجتماعی است که شرایط مساعدتری را برای تعاون و همکاری اجتماعی فراهم می‌کند (چلبی، ۱۳۸۵: ۱۶۰). همانگونه که در نظریات پژوهش نیز اشاره گردید، بوزان نیز معتقد است که امنیت اجتماعی در حفظ ویژگی‌هایی که براساس آن افراد خود را به صورت عضوگروه اجتماعی قلمداد می‌کنند تأثیرگذار است (بوزان، ۱۳۷۸).

-
1. Attachment
 2. Stacy
 3. Brown & Perkins

در مورد ویژگی‌های عملکردی در فضا و تأثیر آن در ارتقای دلبستگی بر اساس تئوری رفتارگرایی اجتماعی، هرچه فرد از خدمات و امکانات محیط زندگی خود رضایت داشته باشد، میزان گرایش فرد به آن محیط و همچنین تعاملات و مشارکت اجتماعی و در نهایت احساس تعلق مکانی وی افزایش خواهد یافت. براین اساس می‌توان رابطه احساس تعلق با خدمات محله‌ای را تبیین کرد. نتایج پژوهش مبارکی و صلاحی (۱۳۹۱)، قاسمی و همکاران (۱۳۹۳)، حقیقتیان و همکاران (۱۳۹۴)، لطفی‌کزیج (۱۳۹۵)، صالحیان‌اغبلغ (۱۳۹۷) تحت عنوان کیفیت خدمات شهری، تعهدات شهروندی و احساس تعلق اجتماعی تأییدکننده‌ی نتایج پژوهش حاضر است.

وابستگی مکانی نیز به عواملی چون حس رضایت، حس مالکیت و توانایی محیط کالبدی در تأمین نیازها و امکان وقوع طیفی از فعالیت‌های مورد نظر فرد در مکان اشاره می‌کند و پیوندهای اجتماعی که با توجه به خصوصیات فردی، امکان تعاملات اجتماعی را فراهم می‌آورد. عوامل نام برده، با برانگیختن حس زیبایی‌شناختی، برقراری امکان تعاملات اجتماعی و رضایتمندی و ایجاد تصاویر ذهنی و قابلیت ادراک مکان، زمینه بهبود فعالیت‌ها و تعاملات اجتماعی و فرهنگی را ایجاد می‌کند که موجب افزایش حس دلبستگی شهروندان به فضاهای شهری و محلات سکونتی خود می‌شود. مک‌میلان و چاوایس نیز در اشاره به مفهوم عضویت و مشارکت اشخاص، فرد احساس عضویت و پیوستگی را با اجتماع محله‌ای، سرنوشت و شرایط زندگی در گستره محله‌ای که در آن عضویت دارد، ارزیابی و درک می‌کند که احتمال مشارکت بیشتر را کنش‌های جمعی محله خواهد داشت و به دنبال آن احساس تعلق بیشتری کسب خواهد کرد (موسوی و صفری، ۱۳۹۵). نتایج پژوهش لطفی‌کزیج (۱۳۹۵)، قاسمی و همکاران (۱۳۹۳)، و همچنین مفرح و همکاران (۱۳۹۳) تأییدکننده‌ی پژوهش حاضر است.

منابع

- احمدلو، مجتبی؛ شربتیان، یعقوب. (۱۳۹۴). "بررسی مردم‌شناختی زمینه‌ها و شیوه‌های یاریگری در شهر زنجان؛ با تأکید بر دگرپاری"، پایان نامه ارشد، رشته علوم اجتماعی گرایش مردم‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

- احمدی، فرزانه؛ افشار، علی؛ آقالطیفی، آزاده. (۱۳۹۳). "عوامل تأثیرگذار بر حس تعلق در فرآیند بازآفرینی در بافت مسکونی اطراف حرم حضرت امام رضا (ع) در محله نوغان"، *مجله هفت شهر*، شماره ۴۸-۴۷، صص ۸۴-۷۰.
- الماسی، مسعود. (۱۳۹۵). "بررسی عوامل مرتبط با احساس امنیت اجتماعی زنان، مطالعه موردی: زنان ساکن مجتمع‌های مسکونی مهرشهر ایلام"، *مطالعات اجتماعی-روانشناختی زنان*، ۱۴(۱)، صص ۱۲۷-۱۰۳.
- بزی، خدارحم. (۱۳۹۵). "اهمیت سنجی شاخص‌های حکم‌روایی خوب شهری از دیدگاه زنان، مطالعه موردی: شهر زابل"، *پژوهش‌نامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، ۱۷(۱)، صص ۷۲-۵۱.
- بوزان، باری. (۱۳۷۸). *مردم، دولت‌ها و هراس*، مترجم: پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشگاه مطالعات راهبردی.
- بیات، بهرام. (۱۳۹۶). "تبیین ارتباط میان فضای شهری و احساس امنیت اجتماعی"، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۶(۲)، صص ۳۵۰-۳۲۹.
- بیدل، پری‌ناز؛ محمودزاده، علی‌اکبر. (۱۳۹۱). "بررسی میزان تعلق اجتماعی مردم به جامعه ایران و رابطه آن با اعتماد اجتماعی و فردگرایی؛ مطالعه موردی شهر مشهد"، *مجله تحقیقات فرهنگی*، ۵(۲)، صص ۶۳-۳۱.
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۹۱). *امتیاز افکار در شهرسازی (از کمیت تا کیفیت)*، تهران: آرمان‌شهر.
- جیکوبز، جین. (۱۳۹۲). *مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا*، مترجم: حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، تهران: دانشگاه تهران.
- چلبی، مسعود. (۱۳۸۵). *تحلیل اجتماعی در فضای کنش*، تهران: نشر نی.
- حبیبی، داود؛ حبیبی، دینا؛ کسالایی، افسانه؛ گرجی‌پور، فاطمه. (۱۳۹۷). "تبیین حس تعلق به مکان و هویت در فضاهای شهری با تأکید بر بازارهای سنتی"، *فصلنامه معماری‌شناسی*، ۱(۳)، صص ۸-۱.
- حبیبی، سیدمحسن؛ سیدبرنجی، سیده کهریا. (۱۳۹۵). "رابطه بین خاطره‌انگیزی و مشارکت اجتماعی در بازآفرینی هویت شهری، نمونه موردی: میدان شهرداری رشت"، *فصلنامه معماری و شهرسازی آرمان شهر*، شماره ۱۷، صص ۳۴۲ - ۳۲۹.

- خطیبی، اعظم. (۱۳۹۶). "تبیین جامعه‌شناختی تعاملات همسایگی و تأثیر آن بر احساس نشاط اجتماعی شهروندان در شهر همدان"، **مطالعات جامعه‌شناختی شهری**، ۷(۲۲)، صص ۱۳۴-۱۰۷.
- ربیعی‌نژاد، تحسین؛ ارغان، عباس. (۱۳۹۶). "نقش سرمایه‌ها بر افزایش حس تعلق به محله، مطالعه موردی: ناحیه یک منطقه ۱۴ تهران"، **اولین همایش بین‌المللی و سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی**، دانشگاه تهران، صص ۱۹-۱.
- رزاقی، محمدعلی؛ نوابخش، مهرداد؛ انصاری، حمید. (۱۳۹۶). "ناهماهنگی‌های بصری در سیمای شهر اهواز و تأثیر آن بر رفتار اجتماعی شهروندان"، **مجله مطالعات علوم اجتماعی ایران**، ۱۴(۵۲)، صص ۷۶-۵۴.
- شالچی، سمیه؛ شجاعی، مرضیه؛ فرهنگی، حمیدرضا. (۱۳۹۵). "بازسازی شهری، تصویر تهران و تجربه بیگانگی"، **مجله تحقیقات فرهنگی ایران**، ۹(۱)، صص ۳۲-۱.
- صاحبی، علی؛ زالی‌زاده، محسن؛ زالی‌زاده، مسعود. (۱۳۹۴). "تئوری انتخاب: رویکردی در جهت مسئولیت‌پذیری و تعهد اجتماعی"، **مجله رویش روان‌شناسی**، ۴(۲).
- صادقی‌فرشته، رویا؛ دانشگرمقدم، گلرخ؛ دژدار، امید. (۱۳۹۱). "بررسی رابطه طرح کالبدی در مجتمع‌های مسکونی و حس دل‌بستگی به مکان در بین ساکنین، مطالعه موردی: مجتمع‌های مسکونی امام خمینی و امام رضا در همدان"، شماره ۳۰، صص ۲۶۴-۲۵۳.
- صفری، سحر؛ موسوی، سیدیعقوب. (۱۳۹۵). "رشد‌شهرگرایی و احساس تعلق محله‌ای"، **برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای**، ۱(۳)، صص ۶۲-۳۲.
- علم‌دانی، مسعود؛ مهدی‌نژاد، جمال‌الدین؛ افهمی، طلیعه. (۱۳۹۴). "رشد کیفی فضای شهری به منظور ارتقاء تعاملات اجتماعی، نمونه موردی خیابان احمد آباد مشهد"، **فصلنامه هنرهای کاربردی**، شماره هفتم، صص ۱۴-۵.
- غفاری، غلامرضا؛ نیازی، محسن. (۱۳۸۶)، **جامعه‌شناسی مشارکت**، تهران: انتشارات نزدیک.
- قاسمی، اکرم؛ مشکینی، ابوالفضل؛ حمزه نژاد، مهدی. (۱۳۹۳). "ارزیابی حس تعلق به مکان ساکنان شهرهای جدید، مطالعه موردی: شهر جدید هشتگرد"، **مجله فضای جغرافیایی**، ۱۴(۴۸)، صص ۵۶-۴۱.
- لطفی‌کزیج، ذولفقار. (۱۳۹۵). "بررسی میزان حس تعلق مکان در روستاهای ادغام‌شده در شهر، مطالعه موردی: گل‌مغان اردبیل"، **پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری**، گرایش برنامه‌ریزی مسکن، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اردبیل.

- مبارکی، محمد؛ صلاحی، سمیه. (۱۳۹۲). "کیفیت خدمات شهری، تعهدات شهروندی و حس تعلق اجتماعی"، وزارت علوم، شماره ۵۰، صص ۲۷۵-۳۱۶.
- معصومی، مسیح‌الله؛ میرخطیب، اسماء. (۱۳۹۶). "بررسی تأثیر طراحی فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی در ایجاد حس دلبستگی به مکان، مورد مطالعه: مجتمع مسکونی ششصد دستگاه در شهر مشهد"، مجله تحقیقات جغرافیایی، ۳۲(۳)، صص ۷۳-۵۲.
- منصورماهانی، سوگل. (۱۳۹۴). "تأثیر تعاملات اجتماعی بر معماری و فضای عمومی شهری"، همایش: سازمان‌ها و مراکز غیردولتی، حامی موسسه معماری و شهرسازی سفیران راه مهرازی، سال اول.
- نقدی، اسدالله؛ وحدت، سلمان؛ سجادزاده، حسن. (۱۳۹۵). "نقش سرمایه‌های اجتماعی در دلبستگی به مکان در محلات سنتی، نمونه موردی: محلات شهرهمدان"، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، ۶(۱۸)، صص ۵۲-۲۳.
- Acedo, Albert; Painho, Marco; Casteleyn, Sven. (2017). "Place and city: Operationalizing sense of place and social capital in the urban context", **WILEY Transactions in GIS**, No 21, p.p 503-530.
- McMillan W. David; Chavis, M. David. (1986). "Sense of Community: A Definition and Theory", **Community Psychology**, Vol 14, pp 6-23.
- Rollero, Chiara; De Piccoli, Norma. (2010). "Place attachment, identification and environment perception: An empirical study", **Journal of Environmental Psychology**, No 30, p.p 198-205.
- Trentelman, C. K. (2009) "Place Attachment and Community Attachment: A Primer Ground Ed in the Lived Experience of a Community Sociologist," **Society and Natural Resources: An International Journal**, 22(3): 191-210.
- Williams, D.R., Vaske, J.J. (2003), "The Measurement of Place Attachment Validity and Generalizability of a Psychometric Approach", **Forest Science**, 49(6), p.p 830-840.

